

پایه

گفت و گو با سعید عباسی، تهیه‌کننده و کارگردان ویژه برنامه اعیاد شبکه سه «چراغانی» در خانه شهید مدرس



جام جم به مناسبت روز حجاب و عفاف بررسی می‌کند

حجاب برتر در قاب سیما

رسانه ملی به عنوان دانشگاه عمومی و نهاد فرهنگی و تاثیرگذار تلاش دارد گام‌های موثری در حوزه‌های مختلف بردارد تا بتواند بهترین الگورا به مردم ارائه دهد. یکی از این گام‌هایی که تا به امروز برداشته و عملکرد مناسبی هم داشته الگوی حجاب است. کافی است نگاهی به سریال‌ها و فیلم‌های تلویزیونی که از سوی کارگردانان و تهیه‌کنندگان مختلف تهیه و روانه آنتن شده داشته باشیم. آن وقت است که متوجه می‌شویم سازندگان آثار نمایشی سعی کرده‌اند زنانی با الگوهای مناسب حجاب به واسطه قوه‌هایی جذاب به بینندگان معرفی کنند، زنانی که ضمن داشتن اقتدار و فعالیت در اجتماع، روی حجاب‌شان هم تاکید دارند. تعداد شخصیت‌های تاثیرگذار که این گونه معرفی شده اند کم نیست.

۶



گفت و گو با کاظم دانشی، کارگردان فیلم «علف زار»

برخی راویان جنبش «می‌تو» خودشان هم مقصرند

۹



«کافه خیر» به صرف سلامت

مرجان قندی از برنامه‌ای می‌گوید که مرجعی در حوزه سلامت است

۸

یادداشت

از حادثه مسجد گوهرشاد کم گفته‌ایم



امروز ۲۱ تیر را در تقویم رسمی کشور روز «حجاب و عفاف» نامیده‌اند و احتمالاً در جریان هستید که به این مناسبت برنامه‌های فراوانی در کشور برگزار می‌شود اما کمتر کسی درباره دلایل نامگذاری این روز در تقویم رسمی کشور سخن می‌گوید. این روز، سالگرد حادثه سنگین و عجیبی است که سال ۱۳۱۴ و در اوج دوران دیکتاتوری رضاشاهی روی داد و زائران حرم مطهر رضوی در مسجد گوهرشاد به گلوله بسته شدند. البته برخلاف آنچه در میان مردم رایج شده است، این اتفاق در اعتراض به کشف حجاب که چند ماه بعد روی داد نبود، بلکه به دلیل اعتراض به روش مستبدانه حکومت در اجباری کردن کلاه‌پهلوی روی داد. این اتفاق عجیب متأسفانه در لایه‌های صفحات تاریخ گم شده است و در تبلیغات سنگینی که این روزها از طرف مبلغان نظام پهلوی به راه افتاده است درباره این جنایت سنگین حرفی گفته نمی‌شود. این راه باید به یاد داشت که این جنایت در حالی روی داد که مردم مشهد چند سال پیش از این حادثه، شاهد هتک حرمت و گلوله‌باران گنبد مطهر رضوی به دست روس‌های اشغالگر بودند. تکرار این هتک حرمت که در ذهن مردم نمی‌گذرد، جو عمومی شهر مشهد و البته سراسر ایران را تا چندین سال تحت تاثیر قرار داد و چهره سیاه دیکتاتور رضاشاهی را برای مردم روشن‌تر کرد.

این حادثه، رویدادهایی مهمی داشت و درباره این مقدمات هم کم گفته شده است. درباره نقش شخصیت‌هایی چون آیت‌آقا... قعی، شیخ بهلول و محمدولی اسدی در این حادثه کم گفته شده است و باید به کمک قلم و دوربین درباره این افراد، جو عمومی کشور و اتفاقاتی که پیش و پس از حادثه مسجد گوهرشاد روی داد، بیشتر حرف زد. شخصیت مرحوم بهلول، ویژگی‌های ساخت یک مجموعه تماشایی یا یک کتاب خواندنی را داراست و اگر هنرمندان ما فرصتی برای شناخت و پژوهش درباره این شخصیت بگذارند، می‌توانند این چهره عجیب و استثنایی را به مردم بشناسانند. من خود، مرحوم بهلول را در زمانی که حدود یک قرن از عمرش گذشته بود، دیده‌ام. او کاریزمایی عجیب داشت و با دیدنش داستان‌ها یا افسانه‌هایی را که درباره کرامات و شگفتانه‌های عرفای کهن می‌گویند، باور می‌کردی. او در کهنسالی سربا و سالم ساعت‌ها در گرمای سوزان کویری گناباد، پیاده راهی دشت و صحرا می‌شد و قوت روزانه‌اش در حد نان و پنیری اندک بود. ماجراهای عجیبی که براو در ایران و در حادثه مسجد گوهرشاد و بعدها در زندان افغانستان گذشت، چنان جذاب و پرکشش است که واقعا حیف است به او نپرداخت. البته در هر اثری باید از مطلق سازی و مقدس انگاری شخصیت‌های تاریخی پرهیز کرد و مرحوم بهلول هم از این قاعده مستثنا نیست.

حادثه مسجد گوهرشاد حتی در ارکان نظام یکدست دیکتاتوری رضاشاهی نیز زلزله‌ای سیاسی به وجود آورد. نایب‌التولیه وقت و استاندار قدرتمند خراسان، محمدولی اسدی حاضر نشد دستورهایی که از بالا می‌آمد، برای کشتار و قلع و قمع مردم اجرایی کند. اسدی از چهره‌های مهم دوره احمدشاهی و رضاشاهی و از کسانی بود که در مجلس شورای ملی، رضاخان میرپنج را به سلطنت ایران رساند اما ترمز او چنان بر شاه مستبد گران آمد که اسدی رای درنگ از کار برکنار کرد و به سرعت به جوخه اسد ماسپر و تیرباران کرد. تأثیرات این ترمز تا جایی بالا رفت که محمدعلی فروغی، نخست‌وزیر که نسبتی خانوادگی با اسدی داشت نیز از کار برکنار شد و چهره دولت زمانه، کاملاً دیگرگون شد.

به هر روی با رفتن زنده‌یاد سعید تشکری که تلاش‌های مجدانه و آثارش چون «اوسنه گوهرشاد» در این حوزه چون تک‌گوهری می‌درخشاند عرصه خالی از زهر و ممانده است.

تک چرخ از پیست به خط مقدم

نشست بررسی کتاب «موتورسوار چمران» در بوشهر برگزار شد

نشست ادبی و جشن امضای کتاب «موتورسوار چمران»، اثر جایی انتشارات موسسه جام جم، در بوشهر برگزار شد. حمیدرضا جوانبخت، نویسنده و سعیدعباس حیدر رابوکی، راوی کتاب به بندر بوشهر، زادگاه شهید علیرضا ماهینی، یکی از فرماندهان و رزمندگان شجاع ستاد جنگ‌های نامنظم در زمان دفاع مقدس، سفر کردند تا ...



هیچ رسانه‌ای جای رادیو را نمی‌گیرد

۷

سبک زندگی

فیب زردایی از بی‌حجابی

به سبک سلبریتی‌های مجازی

در کشورهای لیبرالی رفتار افراد مشهور تحت ضوابط است

اینجا انگار هیچ خط قرمزی وجود ندارد! فضایی که اگرچه مجازی است اما فضای واقعی جامعه هم اثر می‌پذیرد و هم بر آن تأثیری می‌گذارد.

۱۲



حجت‌الاسلام والمسلمین حمید پارسائیا در گفت و گو با «جام جم» تاکید کرد:

خدیر؛ ذخیره الهی برای امت اسلامی

۱۵

گزارش روز

چادری‌های سینمای ایران

کدام خانم‌های بازیگر در فیلم‌ها پوشش و حجاب برتر داشتند؟



گروه فرهنگ و هنر

از میان فیلم‌هایی که این روزها در سینماها اکران می‌شود، چند فیلم به حجاب و عفاف بها دادند و پوشش کدام شخصیت‌های زن به تعاریف بانوی ایرانی و اسلامی نزدیک است و خانم‌ها مثل خیلی از بانوان مومن و محببه ایرانی، چادر به سر دارند؟ اگر از دو مورد شرایط خاص یعنی حضور پگاه آهنگرانی در حرم امام رضا (ع) در فیلم «بدون قرار قبلی» و رویا جاویدنیا و مانده هماغاسی، بازیگران نقش مادران دو خانواده حاضر در دادگاه «علفزار» بگذریم که حجاب‌شان بیشتر به دلیل ملاحظاتی حرفه‌ای و عادت و سنت مربوط است، نشانی دال بر تعلق خاطر و احترام به حجاب برتر در فیلم‌های روی پرده نمی‌بینیم. گرچه این حرف به معنی بی‌اعتنایی و بی‌مهری به انواع دیگر حجاب و پوشش مناسب نیست و در فیلم‌هایی چون همین بدون قرار قبلی و «هناس»، خانم‌هایی که شخصیت‌های مثبت و موجهی دارند، به اعتقادات و پوشش مناسب اهمیت می‌دهند.

چادر در ایستگاه جهلم فجر

به جز فیلم‌های بدون قرار قبلی و علفزار و هناس که ذکر پوشش و حجاب در آنها رفت، چهلمین جشنواره فیلم فجر، چند فیلم دیگر مرتبط با این موضوع داشت. در این میان مهم‌ترین اثر، فیلم «موقیت مهدی» است که مساله حجاب و عفاف به تمامی در آن رعایت شده و با نمایش درست و دقیق آن، مخاطب به خوبی با شخصیت‌هایی چون همسران شهیدان مهدی و حمید باکری همذات‌پنداری می‌کند، به ویژه بازی خوب زیلا شاهی در نقش صغیه مدرس که ظرافت‌های شخصیتی زن مومن و محببه را به زیبایی و با ظرافت اجرا می‌کند، نقش مهمی در ایجاد این همدلی و همراهی تماشاگران دارد. دیگر شخصیت چادری فیلم‌های جشنواره جهلم فجر، نقش سمیه (رعنا آزادی‌پور) در فیلم مرد بازنده بود که البته بیشتر نشان از مناسبات مذهبی و حکومتی در قوه دارد و چندین سمپات و جاذبه در مخاطب ایجاد نمی‌کند. در فیلم «شب طلایی» هم یکی از دختران خانواده بابازی بهناز جعفری با پوشش چادر ظاهری می‌شود که با وجود تعلقات مذهبی به دلیل باورهای کمی خرافی‌اش، اشاره

نمونه‌های موفق

فیلم «ویلاهی»، ساخته منیر قیدی همان قدر که زحمات و چشم‌اندازی بانوان پشت جبهه را به تصویر کشید، از نظر حجاب و پوشش هم موفق و منطقی بر واقعیت عمل کرد و قاب‌های دلپذیری از زنان و دختران محببه ارائه کرد و تماشاگران بازیگرانی چون طناز طباطبایی و پریناز ایردیار، خرق عادت جذابی برای مخاطبان بود. ترگس آبراهیم در همه فیلم‌هایی که تا اینجا ساخته به مساله حجاب و پوشش خانم‌ها اهمیت داده و خاستگاه دینی و

در «موج مرده» در میان آثار حائمی‌کیا و گلچهره سجادیه در «هیوا» و آنته فقیه‌نصیری در «مزرعه پدری» از آن جمله‌اند. هنگامه قاضیانی هم در عاشقانه دفاع مقدسی «دلبری» با حسن اخلاق و حجاب و پوشش کامل برای همسر جانبازش عاشقی و فعل دلدادگی را صرف می‌کند. همین که قاضیانی را در آن فیلم فقط با پوشش چادر به یاد می‌آوریم یعنی فیلم کار خود را در این زمینه درست انجام داده است. نگار جواهریان در فیلم «طلا و مس» هم نقش زنی مومن و چادری را به بهترین شکل بازی می‌کند. ایلا حاتمی را هم در فیلم «هر شب تنهایی» با چادر به یاد می‌آوریم.

پوسترهای منقش به چادر

این سال‌ها را نبینید که برخی فیلمسازان نسبت به مقوله حجاب و عفاف غفلت و بی‌مهری می‌کنند. زمانی در دهه‌های گذشته، پوشش چادر حتی به پوستر فیلم‌ها هم راه می‌یافت و ضمن رعایت وجوه گرافیکی و زیبایی‌شناسانه، به لحاظ مفهومی هم در این مهم اثربخش و جریان‌ساز بود. شاید جالب باشد که بدانید فاطمه معتمدآریا یکی از بازیگرانی است که بیشترین حضور با چادر را در پوستر فیلم‌های سینمای ایران دارد؛ پوستر فیلم‌های «روسری آبی»، «یک بار برای همیشه» و «ریحانه» از جمله این آثار است. پوستر «سارا» با حضور نیکو کریمی، «ترگس» با حضور عاطفه رضوی، «طوبی» با حضور پروانه معصومی، «روزهای خوب زندگی» با حضور فاطمه صامتی و پوستر فیلم «چکمه» تنها چند نمونه از این پوسترهای منقش به چادر هستند. از معدود پوسترهایی که در این سال‌ها زنی چادری را در خود داشت، «فرشته‌ها با هم می‌آیند» است که نازنین بیاتی را در نقش همسر و مادر سه فرزند می‌بینیم.

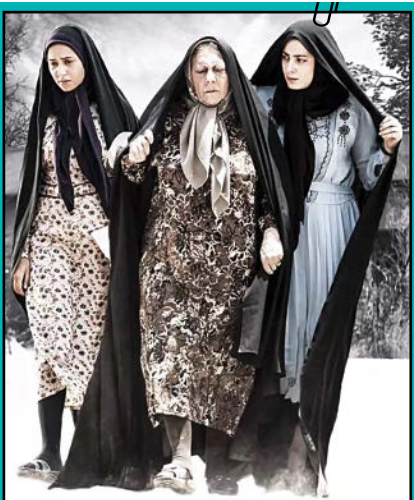
عکس نوشت



تصویر از نیکو کریمی در پوستر «سارا»



هنگامه قاضیانی در فیلم «دلبری»



نمایی از فیلم «ویلاهی»



پوستر «چکمه» که در کاتالوگ یکی از جشنواره‌های خارجی